



چالش های خانواده (طلاق، خیانت، خشونت) بر هویت زن مسلمان و الگوی فاطمی

نام و نام خانوادگی نویسنده اول ابراهیم بری پور

دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مطهری زاهدان، زاهدان، ایران.

نام و نام خانوادگی نویسنده دوم معراج سپاهیان

دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات ، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مطهری زاهدان، زاهدان، ایران.

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر چالش های خانواده، شامل طلاق، خیانت و خشونت، بر هویت زن مسلمان با توجه به الگوی فاطمی می پردازد. در جوامع اسلامی، خانواده به عنوان پایه ای اساسی در شکل گیری هویت افراد و خصوصاً زنان نقش محوری دارد. با این حال، بحران های خانوادگی مانند طلاق، خیانت و خشونت می توانند این هویت را تحت تأثیر قرار داده و باعث ایجاد بحران های هویتی و اجتماعی شوند. این چالش ها نه تنها تأثیرات روانی و اجتماعی برای زنان به همراه دارند، بلکه ممکن است به تغییر در نگرش آن ها نسبت به خود، خانواده و جامعه منجر شوند. در این مقاله، الگوی فاطمی به عنوان یک الگوی اخلاقی و رفتاری که از حضرت فاطمه زهرا (س) الهام گرفته شده، به عنوان چارچوبی برای بررسی مقاومت و توانایی زن مسلمان در مقابله با این چالش ها مطرح می شود. با استناد به این الگو، زنان می توانند با حفظ هویت دینی و اخلاقی خود، در مواجهه با مشکلات خانوادگی پایداری نشان داده و به بازیابی هویت خود کمک کنند. هدف این مقاله، شناسایی راهکارهای مؤثر در تقویت هویت زن مسلمان در مقابل بحران های خانوادگی و ارائه توصیه هایی برای مقابله با این چالش ها با بهره گیری از الگوی فاطمی است.

واژگان کلیدی: چالش های خانواده، الگوی فاطمی، هویت، طلاق



مقدمه

خانواده در طول زمان با تغییراتی همراه بوده است از یک منظر خانواده عبارت است از پیوند قانونی دو جنس مخالف بر پایه روابط پایا تقدس مذهبی روابط عمیق عاطفی که با نوعی قرارداد اجتماعی و آثار مهم فرهنگی همراه است (Engels, 1973pp. 171-205). خانواده، به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری هویت فردی و اجتماعی اعضای خود، به ویژه زنان، ایفا می کند. معنای اصلی خانواده همواره با یک قرارداد اجتماعی پیوند حقوقی اجتماعی و عاطفی همراه می باشد از منظری دیگر ازدواج فرایندی است از کنش متقابل دو فرد که با شرایطی قانونی و طی مراسمی تشکیل می شود و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته است (Karlsson, ۱۹۶۳. ۳۱). آنتونی گیدنز خانواده را گروهی از افراد میداند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده یا از طریق تبار است که خویشاوندان خونی مادران، پدران فرزندان دیگر پدرزرها و غیره را با یکدیگر مرتبط می سازد (گیدنز، ۱۳۸۳). در جوامع اسلامی، خانواده نه تنها محل رشد و تربیت فرزندان است، بلکه مکانی است که در آن افراد اصول و ارزش های دینی و اخلاقی خود را می آموزند و به کار می گیرند. زنان مسلمان با توجه به جایگاه ویژه ای که در نظام خانواده دارند، نه تنها به عنوان مادر و همسر، بلکه به عنوان فردی با هویت مستقل دینی و اجتماعی در خانواده و جامعه نقش آفرینی می کنند. این هویت با الهام از الگوهای دینی، به ویژه الگوی فاطمی، که برگرفته از سیره حضرت فاطمه زهرا (س) است، شکل می گیرد و تقویت می شود. الگوی فاطمی به زن مسلمان می آموزد که چگونه با چالش ها و مشکلات زندگی روبه رو شود و ضمن حفظ هویت دینی و اخلاقی خود، نقش مؤثری در خانواده و جامعه ایفا کند. با وجود اهمیت خانواده در شکل دهی به هویت زنان، در دهه های اخیر با افزایش چالش های خانوادگی همچون طلاق، خیانت و خشونت، این هویت با تهدیدات جدی روبه رو شده است. طلاق به عنوان یکی از شایع ترین مشکلات خانوادگی، پیامدهای منفی بسیاری برای زنان به همراه دارد. این پدیده علاوه بر برهم زدن تعادل روانی و عاطفی فرد، می تواند منجر به بحران های اجتماعی و اقتصادی نیز شود. بسیاری از زنان پس از طلاق با مشکلاتی همچون کاهش عزت نفس، احساس تنهایی، عدم امنیت اقتصادی و فشارهای اجتماعی مواجه می شوند که همه این عوامل در نهایت به تضعیف هویت فردی و اجتماعی آنها می انجامد. خیانت نیز به عنوان یکی از بزرگترین بحران های عاطفی در خانواده، ضربه شدیدی به اعتماد میان زوجین وارد می کند. خیانت نه تنها باعث از هم پاشیدن بنیان خانواده می شود، بلکه به تضعیف روحیه و هویت زنان نیز منجر می شود. زنانی که با خیانت مواجه می شوند، اغلب احساس خشم، خیانت، و از دست دادن اعتماد به نفس می کنند. این آسیب ها می تواند به شکل گیری احساسات منفی نسبت به خود و هویت آنها منجر شود و در نهایت مسیر زندگی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. خشونت خانگی نیز از جمله چالش های جدی است که نه تنها سلامت جسمی و روانی زنان را به خطر می اندازد، بلکه هویت آنها را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. خشونت های جسمی و روانی که در برخی از خانواده ها علیه زنان اعمال می شود، علاوه بر ایجاد آسیب های فیزیکی و روانی، باعث ایجاد احساس بی ارزشی و از دست دادن اعتماد به نفس در زنان می شود. این وضعیت می تواند به تغییر در نگرش آنها نسبت به خود و هویتشان منجر شود و موجب شود که زنان از لحاظ اجتماعی و روانی منزوی شوند. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مظهر علم و عمل الهی و عمل صالح و اسوه کمال وجودی در ساحت علمی و عینی است. و در ذکر نام شریف ایشان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: فاطمه (سلام الله علیها) را فاطمه نامیده ام؛ زیرا خداوند او و دوستدارانش را از آتش بازداشته است و نام او نیز از نام خداوند فاطر گرفته شده است (ابن صدوق، بی تا الف: ۴۱۴/۲). در این میان، الگوی فاطمی به عنوان یک منبع الهام بخش برای زنان مسلمان، نقشی اساسی در مواجهه با این چالش ها ایفا می کند. حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان نمونه ای از یک زن کامل در اسلام، الگوی صبر، استقامت، وفاداری و اخلاق اسلامی است. زنان مسلمان می توانند با الهام از سیره ایشان، در مواجهه با چالش های خانوادگی همچون طلاق، خیانت و خشونت، هویت دینی و اخلاقی



خود را حفظ کنند. این الگو به زنان می‌آموزد که چگونه با قدرت و ایمان به خداوند، در برابر مشکلات مقاومت کنند و به بازیابی هویت خود بپردازند. این مقاله به دنبال بررسی تأثیر چالش‌های خانوادگی بر هویت زنان مسلمان است و تلاش دارد تا با استفاده از الگوی فاطمی، راهکارهایی برای تقویت هویت زنان در مواجهه با مشکلات خانوادگی ارائه دهد. در دنیای معاصر، با افزایش بحران‌های خانوادگی، نیاز به بازنگری در شیوه‌های تقویت هویت زنان و حمایت از آن‌ها در برابر آسیب‌های روحی و اجتماعی بیش از پیش احساس می‌شود. الگوی فاطمی به عنوان یک الگوی کامل و جامع، می‌تواند به زنان کمک کند تا با حفظ هویت دینی و اخلاقی خود، در برابر چالش‌های زندگی خانوادگی مقاومت کنند و نقش مؤثری در خانواده و جامعه ایفا کنند. در نهایت، هدف از این پژوهش، بررسی تأثیرات طلاق، خیانت و خشونت بر هویت زنان مسلمان و ارائه راهکارهایی است که زنان بتوانند با الهام از الگوی فاطمی، با این چالش‌ها مقابله کنند و هویت خود را در شرایط دشوار حفظ و تقویت نمایند.

تأثیر طلاق بر هویت زن مسلمان

طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر ساختار خانواده حفظ می‌شود ولی در واقع خانواده از درون تهی است زیرا رابطه عاطفی مثبت میان زوجین از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است؛ این حالت طیف وسیعی از قهرهای ساده تا بگومگوهای جدی و درگیری‌های فیزیکی و خشونت را در بر می‌گیرد که در آن هر یک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی دیگری را آزار می‌دهد (اسکانزونی و اسکانزونی، ۲۰۱۰). بنا بر شرایط اجتماعی و فرهنگی گاهی زوجین به اجبار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند؛ در این شرایط ساختار ظاهری خانواده حفظ می‌شود اما خانواده از درون تهی است و به نوعی با کاهش فضای عاطفی و سرد شدن محیط خانواده مواجه هستند که این پدیده، اطلاق عاطفی نامیده می‌شود. در این سبک از زندگی همسران زیر یک سقف زندگی میکنند در حالی که ارتباطات عاطفی بین آنها کاملاً قطع شده است. «پل بوهانان، طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. (اولسن و دفراین، ۲۰۱۱). طلاق به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ خانوادگی، تأثیرات عمیقی بر زندگی و هویت زن مسلمان دارد. از نظر دینی، طلاق در اسلام اگرچه حلال است، اما به عنوان یکی از ناخوشایندترین امور شناخته می‌شود. زن مسلمان پس از طلاق با بحران‌های مختلفی از جمله از دست دادن حمایت عاطفی، اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو می‌شود که این موارد می‌توانند به تضعیف عزت نفس و هویت او منجر شوند. طلاق، احساساتی مانند شکست، ناکامی و بی‌ارزشی را در زنان تقویت می‌کند و آن‌ها را با بحران هویتی مواجه می‌سازد. از آنجا که در فرهنگ اسلامی، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد و زنان نقش محوری در حفظ و اداره آن دارند، فروپاشی این نهاد از طریق طلاق، می‌تواند مفهوم هویت زنانه را تحت تأثیر قرار دهد. بسیاری از زنان پس از طلاق با احساسات منفی نظیر تنهایی و انزوا روبرو می‌شوند. با این حال، آموزه‌های دینی و معنوی اسلام به زنان مسلمان این قدرت را می‌دهد که پس از طلاق به بازسازی هویت خود بپردازند. اصولی مانند توکل به خداوند، صبر در برابر مشکلات، و حفظ کرامت انسانی، به زن مسلمان کمک می‌کند که در مواجهه با طلاق به جای تسلیم شدن به بحران‌ها، هویت خود را بازسازی کند و با عزمی تازه به زندگی ادامه دهد. آمارهای رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست زیرا در کنار آن آمار بزرگ تر و ثبت نشده به طلاق عاطفی اختصاص دارد. شاید دو برابر آمار طلاق های قانونی را بتوانیم به طلاق

عاطفی اختصاص دهیم؛ یعنی به زندگی خاموش و خانواده تو خالی که زن و مرد در کنارهم به سردی زندگی میکنند ولی هیچ گاه تقاضای طلاق قانونی نمی کنند (باستانی، ۱۳۹۰). ناکامی در زندگی زناشویی و کاهش روابط بین زوجین همیشه منجر به طلاق رسمی نمی شود (برزین، ۱۳۹۵).

تأثیر خیانت بر هویت زن مسلمان

خیانت به عنوان یکی از بزرگترین آسیبهای عاطفی در روابط زناشویی، تأثیرات مخربی بر هویت زن مسلمان دارد. در فرهنگ اسلامی، وفاداری و اعتماد میان زوجین از ارزشهای اصلی است و خیانت به طور مستقیم این بنیانهای اخلاقی را نابود می کند. زن مسلمان پس از مواجهه با خیانت، با احساساتی همچون شک، ناامنی، و از دست دادن اعتماد به نفس مواجه می شود. این تجربیات نه تنها بر روابط خانوادگی، بلکه بر هویت شخصی و اجتماعی او نیز تأثیر می گذارد. خیانت می تواند باعث شود زن احساس کند که ارزشهای شخصی و معنوی اش تحت تأثیر قرار گرفته اند، چرا که هویت او در بسیاری از موارد به خانواده و ارتباط زناشویی گره خورده است. از دست دادن اعتماد به همسر، و تخریب روابط نزدیک، باعث تضعیف هویت فردی او شده و ممکن است او را در جایگاه قربانی قرار دهد. با این حال، آموزه های اسلامی و الگوی فاطمی می تواند به زن مسلمان کمک کند تا با این بحران عاطفی به درستی مقابله کند. از طریق تقویت ارتباط با خداوند، حفظ عزت نفس، و پشتیبانی معنوی و اجتماعی، زن می تواند با بازسازی هویت خود، از تأثیرات مخرب خیانت عبور کند. این باور که خداوند همراه و پشتیبان است، به او کمک می کند تا در برابر خیانت، با قدرت بیشتری ایستادگی کند و به زندگی با هویت بازسازی شده ادامه دهد.

تأثیر خشونت بر هویت زن مسلمان

خشونت علیه زنان، به ویژه در محیط خانواده، یکی از آسیبهای جدی است که می تواند هویت فردی و اجتماعی زن مسلمان را تحت تأثیر قرار دهد. خشونت، چه به شکل فیزیکی و چه روانی، نه تنها سلامت جسمی و روانی زنان را به خطر می اندازد، بلکه عزت نفس و احساس ارزشمندی آنان را نیز تضعیف می کند. در اسلام، روابط خانوادگی بر اساس محبت، رحمت و احترام متقابل بنا شده است و هر نوع خشونت در این چارچوب به شدت محکوم می شود. با این حال، زنانی که در محیطهای خانوادگی خشونت آمیز زندگی می کنند، با بحرانهای هویتی پیچیده ای مواجه می شوند. یکی از اصلی ترین تأثیرات خشونت بر هویت زن مسلمان، از بین رفتن اعتماد به نفس و احساس بی ارزشی است. زنان در چنین شرایطی، ممکن است خود را مقصر بدانند یا به دلیل تحقیر و توهین مکرر، به این باور برسند که شایسته محبت و احترام نیستند. این تغییرات در نگرش و باورهای شخصی، به تدریج هویت فردی آنان را تضعیف کرده و توانایی شان برای مقابله با مشکلات را کاهش می دهد. از سوی دیگر، خشونت می تواند باعث انزوای اجتماعی زنان شود. زنانی که در معرض خشونت هستند، اغلب از حمایت های اجتماعی و خانوادگی محروم می شوند، چرا که احساس شرم و ترس از قضاوت دیگران، مانع از آن می شود که مشکلات خود را به دیگران بگویند. این انزوا، به ویژه در فرهنگ های محافظه کارتر، می تواند به از دست دادن هویت اجتماعی و ارتباطات انسانی زنان منجر شود. در عین حال، آموزه های اسلامی به زنان مسلمان قدرت می دهد تا از طریق تقویت ایمان و توکل به خداوند، با خشونت مقابله کنند و هویت خود را بازسازی کنند. با الگوبرداری از سیره حضرت فاطمه زهرا (س) که به عنوان نماد عزت، صبر و مقاومت شناخته می شود، زنان مسلمان می توانند با خشونت مبارزه کنند و



هویت دینی و فردی خود را تقویت نمایند. وجود دورویی و بی اعتمادی، دروغ پنهان کاری پر خاشگری نبود همکاری تعاون و مسئولیت پذیری در زندگی و احترام متقابل بین طرفین نداشتن مهارت ارتباطی و بی توجهی به حفظ ارزشهای اخلاقی، باعث نارضایتی زوجین از زندگی مشترک میشود (قلی زاده و اسماعیلیان، ۱۳۹۰).

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه تأثیر چالش‌های خانوادگی بر هویت زنان، به‌ویژه زنان مسلمان، انجام شده است. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهند که طلاق، خیانت، و خشونت در خانواده، نه تنها بر سلامت روانی و عاطفی زنان تأثیر می‌گذارد، بلکه هویت فردی و اجتماعی آنان را نیز تضعیف می‌کند (Smith, 2019). از سوی دیگر، نقش آموزه‌های دینی در بازسازی و تقویت هویت زنان در مواجهه با این چالش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در پژوهشی که توسط محمودی و همکاران (۱۳۹۷) انجام شده، به تأثیر طلاق بر هویت زنان ایرانی پرداخته شده و نتایج نشان داده است که طلاق باعث کاهش عزت نفس و افزایش احساس انزوا در زنان می‌شود. این پژوهش تأکید می‌کند که زنان مسلمان به دلیل وابستگی به ساختارهای خانوادگی، در معرض تأثیرات شدیدتری از طلاق قرار دارند. با این حال، بازسازی هویت زنان پس از طلاق با بهره‌گیری از مفاهیم دینی و اخلاقی امکان‌پذیر است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۷). (خانی و همکاران، ۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر خیانت زناشویی بر هویت زنان پرداختند و نتایج آن نشان داد که خیانت باعث احساس ناپایداری در هویت زنان و از بین رفتن اعتماد به نفس آنان می‌شود. در این مطالعه، نقش دین و اعتقادات مذهبی به‌عنوان یک عامل محافظتی برای زنان مطرح شده است که می‌تواند به بازسازی هویت آن‌ها کمک کند (خانی و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، پژوهش (نوری، ۲۰۱۸) نشان می‌دهد که خشونت خانگی به‌طور قابل توجهی بر سلامت روانی و هویت زنان تأثیر می‌گذارد. این تحقیق نشان داد که زنان مسلمان با استفاده از آموزه‌های دینی و الگوهای مانند حضرت فاطمه زهرا (س)، می‌توانند با این مشکلات مقابله کرده و از بحران‌های هویتی خارج شوند (Nouri, 2018). همچنین، مطالعه‌ای که توسط (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸) انجام شده، به بررسی تأثیر الگوی فاطمی بر هویت زنان در مواجهه با چالش‌های خانوادگی پرداخته است. این پژوهش نشان داد که پیروی از سیره حضرت فاطمه (س) به‌عنوان نمادی از صبر، عزت و حفظ کرامت انسانی، باعث تقویت هویت زنان مسلمان در مواجهه با مشکلات خانوادگی مانند طلاق و خشونت می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

روش تحقیق

در این مقاله از روش مرور کتابخانه‌ای و مطالعات پیشین استفاده شده است. ابتدا مقالات و تحقیقات مرتبط با موضوع گردآوری و بررسی شدند و سپس با تحلیل‌های مطالعات قبلی، چالش‌های خانواده (طلاق، خیانت، خشونت) بر هویت زن مسلمان و الگوی فاطمی مورد بحث قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

چالش‌های خانوادگی نظیر طلاق، خیانت و خشونت می‌توانند تأثیرات عمیق و مخربی بر هویت زنان مسلمان داشته باشند. این مشکلات نه تنها سلامت روانی و عاطفی زنان را تهدید می‌کند، بلکه باعث ایجاد بحران‌های هویتی می‌شود که ممکن است به انزوای اجتماعی و از دست رفتن اعتماد به نفس منجر گردد. مطالعات نشان داده‌اند که زنان مسلمان در مواجهه با این چالش‌ها، به‌ویژه به دلیل وابستگی‌های فرهنگی و اجتماعی، با دشواری‌های بیشتری روبرو هستند. در چنین شرایطی، اهمیت آموزه‌های اسلامی و الگوهای مانند حضرت فاطمه



زهر (س) به عنوان منابعی برای بازسازی هویت و تقویت روحیه زنان، به ویژه در مواقع بحرانی، نمایان می شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که استفاده از آموزه های دینی می تواند به زنان کمک کند تا با این چالش ها به طور مؤثرتری مقابله کنند. الگوی فاطمی به عنوان نمادی از صبر، عزت نفس و حفظ کرامت انسانی، می تواند به زنان در بازسازی هویت خود کمک کند. به علاوه، برقراری شبکه های حمایتی اجتماعی و خانواده می تواند در کاهش تأثیرات منفی این چالش ها مؤثر باشد.

پیشنهادهای

۱. برگزاری کارگاه های آموزشی: برگزاری کارگاه های آموزشی برای زنان مسلمان به منظور آشنایی با مفاهیم اسلامی و تقویت هویت فردی می تواند به کاهش آسیب های ناشی از چالش های خانوادگی کمک کند. این کارگاه ها باید بر روی مهارت های مقابله ای، افزایش اعتماد به نفس و شناخت ارزش های فردی تمرکز کنند.
۲. توسعه برنامه های حمایتی: ایجاد برنامه های حمایتی در سطح جامعه، شامل مشاوره های خانوادگی و گروه های حمایتی برای زنان، می تواند به آن ها کمک کند تا از تجربیات یکدیگر بهره مند شوند و احساس تنهایی و انزوا را کاهش دهند.
۳. ترویج آگاهی اجتماعی: ترویج آگاهی اجتماعی در مورد حقوق زنان و پیامدهای منفی چالش های خانوادگی می تواند به تغییر نگرش ها و کاهش خشونت و خیانت در خانواده ها کمک کند. رسانه ها و نهادهای اجتماعی باید در این زمینه فعال شوند.
۴. تحقیق و بررسی بیشتر: انجام پژوهش های بیشتر در زمینه تأثیرات چالش های خانوادگی بر هویت زنان مسلمان و بررسی راهکارهای مؤثر می تواند به توسعه برنامه های مناسب و کارآمد در این زمینه کمک کند. در نهایت، با بهره گیری از آموزه های اسلامی و ایجاد بسترهای حمایتی مناسب، می توان به تقویت هویت زنان مسلمان و کاهش تأثیرات منفی چالش های خانوادگی کمک کرد. این فرآیند نیازمند همکاری و تلاش همه جانبه از سوی خانواده ها، جامعه و نهادهای مرتبط است.

منابع

- قلی زاده آذر؛ اسماعیلیان، زهره (۱۳۹۳) نقش مؤلفه های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۲(۵۶)، ۴۶
- باستانی، سوسن، روشنی شهره؛ گلزاری مریم (۱۳۹۰) پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن فصلنامه خانواده پژوهی، ۲۶، ۲۵۷-۲۴۱
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه شناسی ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- خمینی، روح الله، صحیفه امام (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۹).
- حسن زاده آملی، حسن شرح فص حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه تهران انتشارات سنا، چاپ اول، (۱۳۷۹).
- این صدوق، محمد بن علی الأمالی (للسدوق) ترجمه کمره ای تهران، ناشر کتابچی، (بی تا).
- Scanzoni, J., & Scanzoni, L. (2010). Men, women and change: sociology of marriage and family. Mc Graw Hill. 1976.
- Olson, D., & Defrain, J. (2011). marriage and families. McGraw